

ترجمه‌ی
محسن صفاری



جان بلامی فاستر

انقلاب زیست‌بومی صلح با کوهی زمین

مؤلف: جان بلامی

Foster, John Bellamy

عنوان و نام پدیدآور: انقلاب زیست‌موی: صلح با کره‌ی زمین / نویسنده: جان بلامی؛ مترجم:

محسن صفاری

مشخصات نشر: تهران: نشر چرخ، ۲۰۰۹

مشخصات ظاهری: ۴۲۶ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۵-۷۰-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The ecological revolution: making peace with the planet, 2009

یادداشت: نمایه

موضوع: بوم‌شناسی انسانی

موضوع: Human Ecology

موضوع: محیط زیست‌گرایی

موضوع: Environmentalism

شناسه‌ی افزوده: صفاری، محسن، ۱۳۲۸، مترجم

شناسه‌ی افزوده: GFT۱

رده‌بندی کنگره: ۳۰۴/۲۸

رده‌بندی دیویی: ۷۶۵۴۴۶۹

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: فیا

انقلاب زیست‌بومی

- صلح با گرهی زمین -

جان بلامی فاستر

ترجمه‌ی محسن صفاری

ویراستار: حسن مرتضوی

مدیر هنری: فواد فراهانی

همکاران آماده‌سازی: فرزانه صدیقی، منصوره مهدی‌آبادی

ناظر تولید: امیرحسین نخجوانی

چاپ: پردیس دانش

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چرخ است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۳-۷۰-۷۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸

دفتر مرکزی نشر چشمه تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ - کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کریم‌خان: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای
شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ - کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کوروش: تهران، بزرگراه ستاری
شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوروش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ -
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فدایی، پرسیده به بزرگراه نیاپش،
خیابان حافظی، نبش خیابان فخار مقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ - کتاب‌فروشی
نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعتی، رویه‌روی شیرینی سرای بابل. تلفن: ۳۲۳۳۴۵۷۱ (۰۱۱) -
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کارگر: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی
چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ - کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی دلشدگان: مشهد، بلوار
وکیل آباد، بین وکیل آباد ۱۸ و ۲۰ (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱) -
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی رشت: رشت، خیابان معلم، میدان سرگل، ابتدای کوچه‌ی
هفدهم. تلفن: ۲۱۴۹۸۴۸۹ (۰۹۰) - کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی البرز: کرج، عظیمیه،
بلوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی مهرادمال، طبقه‌ی پنجم. تلفن: ۳۵۷۷۷۵۰۱ (۰۲۶)

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

تلفن بخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

۷

مقدمه‌ی مترجم

۱۷

مقدمه‌ی نویسنده بر ترجمه‌ی فارسی

۲۳

پیش‌گفتار

۲۹

سرآغاز: انقلاب زیست‌بومی

۶۱

بخش اول: بحران کره‌ی زمین

فصل اول: زیست‌بوم‌شناسی و پیرانگري / ۶۳

فصل دوم: زیست‌بوم‌شناسی، لحظه‌ی واقعیت / ۸۲

فصل سوم: نقد زیست‌بوم‌شناسی و بحران کارسون / ۹۶

فصل چهارم: اوج نفتی و امپریالیسم انرژی / ۱۱۷

فصل پنجم: پنتاگون و تغییر اقلیم / ۱۴۴

فصل ششم: ناسازه‌ی جونز: محیط زیست و فناوری در سرمایه‌داری / ۱۶۲

فصل هفتم: شکستی برای سیاره‌ی زمین: ناکامی اصلاحات جهانی محیط

زیست، ۲۰۰۹-۱۹۹۲ / ۱۷۱

۱۸۵

بخش دوم: زیست‌بوم‌شناسی مارکس

فصل هشتم: زیست‌بوم‌شناسی مارکس در چشم‌انداز تاریخی / ۱۸۷

فصل نهم: نظریه‌ی مارکس در گسست سوخت‌وسازی: پایه‌های کلاسیک

جامعه‌شناسی محیط زیست باور / ۲۱۱

فصل دهم: سرمایه‌داری و زیست‌بوم‌شناسی: سرشت تضاد / ۲۶۱

فصل یازدهم: مانیفست کمونیست و محیط زیست / ۲۷۶

فصل دوازدهم: امپریالیسم زیست‌بومی: افسون سرمایه‌داری / ۲۹۹

مقدمه‌ی مترجم

ما در حال گذر از آستانه‌ی بحران‌هایی در طبیعت هستیم که نمی‌بینیم و در حال زیر پا گذاشتن واپسین فرصت‌هایی هستیم که نمی‌شناسیم. طبیعت وقت‌نگه‌دار است، اما ساعت را نمی‌بینیم... ما در کوران مسابقه‌ای بین نقطه‌های واژگونی در نظام‌های طبیعی زمین و نقطه‌های واژگونی در نظام‌های سیاسی جهان قرار گرفته‌ایم. کدام یک زودتر واژگون خواهد شد؟

برگرفته از کتاب

پس از ترجمه‌ی کتاب‌های زمین سیاره‌ی آسیب‌پذیر^۱ و تله‌ی پیشرفت^۲، با هدف ارائه‌ی رویکردی رادیکال در بحران محیط زیست ایران برای کنشگران زیست‌بومی و خوانندگان علاقه‌مند، اینک کتابی را که در دست دارید برگزیده و ترجمه کرده‌ام.

بحران زیست‌بومی، که در بخش‌های گوناگون جهان با شدت‌ها و نمودهای متفاوتی جریان دارد، در سال‌های جاری در ایران شدتی کم‌سابقه یافته و سلامت، معیشت و زندگی طبقات و لایه‌های گوناگون جامعه را زیر شلاق خود گرفته است. روزی نیست که هشدارهای پی‌درپی کنشگران محیط زیست و مسئولان دولتی و آماروارقام جلوه‌های مختلف این بحران، بحران آب، بحران آلودگی هوا و بحران فرسایش خاک، در رسانه‌ها دیده یا خواننده نشود. فهرست بلند است: آلودگی هوای شهرهای بزرگ؛

۱. بلامی فاستر، جان، زمین سیاره‌ی آسیب‌پذیر، ترجمه‌ی محسن صفاری، تهران، انتشارات جهان ادیب، ۱۳۹۵.

۲. رایت، رونالد، تله‌ی پیشرفت، ترجمه‌ی محسن صفاری، تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۸.

ریزش پساب‌های صنعتی و خانگی به زمین‌های کشاورزی پیرامون شهرها و آلوده کردن محصولات غذایی این زمین‌ها؛ جنگل زدایی (متوسط سالانه‌ی مساحت جنگل‌های ویران‌شده در پنج دهه‌ی اخیر صد هزار هکتار برآورد شده است؛^۱ آتش‌سوزی‌های جنگلی؛ کم‌آبی؛ چالش فرونشست زمین و فروچاله‌ها (در نتیجه‌ی خالی شدن منابع زیرزمینی آب ناشی از اوج‌گیری شمار چاه‌های مجاز و نامجاز.^۲ در این پیوند حدود سیصد دشت از بیش از ششصد دشت ایران در حالت بحرانی قرار دارند^۳)؛ بیابان‌زایی و فرسایش شدید خاک؛ خالی شدن روستاهای بخش‌های خشکیده‌ی کشور از سکنه و مهاجرت آن‌ها به حاشیه‌ی شهرهای بزرگ؛ ریزگردها و غبار آلودگی؛ خشک شدن تالاب‌ها به علت سدسازی بی‌رویه، ویرانی مراتع و تبدیل آن‌ها به دیم‌زار؛ سیل و...

گاهی کوتاه به برخی پژوهش‌ها و داده‌ها در زمینه‌های بحران زیست‌محیطی کشورمان ژرفای این چالش را بهتر می‌نمایاند. اسماعیل محمدجانی و نازنین یزدانپان، کارشناسان بانک مرکزی، پژوهشی در مورد بحران آب انجام داده‌اند که در فصل‌نامه‌ی روند به چاپ رسیده است.^۴ آن‌ها در این پژوهش می‌نویسند: «سهم ایران از منابع آب شیرین جهان نسبت به مناطق دیگر در سطح پایین‌تری قرار دارد. در حالی که یک درصد جمعیت جهان به ایران اختصاص دارد، سهم ایران از منابع آب شیرین جهان تنها ۰٫۳ درصد است.» در عمل اما این سهم ناچیز ۰٫۳ درصدی، در کوتاه‌مدت و درازمدت، پیش و پس از انقلاب، سبب ایجاد هیچ برنامه‌ی کارآمدی برای صرفه‌جویی در مصرف منابع آب و سازگاری الگوهای مصرف شهری و صنعتی و برنامه‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف با

۱. روزنامه‌ی دنیای اقتصاد، شنبه، ۱۴ تیر ۱۳۹۹. (به نقل از هفته‌نامه‌ی همشهری جوان)

۲. بر پایه‌ی آمار ارائه‌شده از سوی وزارت نیرو در سال ۱۳۹۳، بیش از یک میلیون حلقه چاه، شامل چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق دارای مجوز، در کشور وجود داشته است (سایت داروایان، داشته‌های اقتصاد ایران). افزون بر آن گفته می‌شود شمار چاه‌های بی‌مجوز چهارصد هزار حلقه است. (تابناک، ۱۰ تیر ۱۳۹۹، به نقل از نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران)

۳. «مشکل آب و ایجاد فروچاله‌ها...»، محمدجواد بلورچی مدیرکل دفتر بررسی مخاطرات زمین‌شناختی و مهندسی سازمان زمین‌شناسی کشور، خبرگزاری مهر، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴.

۴. فصل‌نامه‌ی روند، سال بیست و یکم، شماره‌های ۶۵ و ۶۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۴۴-۱۱۷.

شرایط کشورمان، که در کمربند خشک اقلیمی جهان قرار دارد،^۱ نشده است. کارشناسان بانک مرکزی در پژوهش خود آورده‌اند که شاخص کمیسیون توسعه‌ی پاینده‌ی سازمان ملل، که معیار بحران آب را «درصد برداشت از منابع آب نوگشت‌پذیر (تجدیدپذیر) هر کشور» تعیین کرده است، با توجه به برداشت ۷۲٫۳ درصدی از منابع آبی نوگشت‌پذیر (پژوهش در مقایسه برای برداشت متوسط خاورمیانه رقم ۵۵ درصد را می‌آورد)، ایران را در شرایط بحران شدید آب می‌داند. اما عیسی کلاتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور، چهار سال پس از پژوهش بالا، از رقمی بسیار بزرگ‌تر سخن می‌گوید. او برداشت از منابع نوگشت‌پذیر آب را ۱۱۰ درصد مطرح کرده و می‌گوید این روش [برداشت] به معنای خودکشی است و ایران را به کشوری یک‌بار مصرف تبدیل می‌کند. به گفته‌ی او حتی عربستان چنین کاری را با کشور خود نمی‌کند.^۲

جلوه‌ای دیگر از بحران زیست‌محیطی کشور بحران آلودگی هوای شهری به‌ویژه آلودگی هوای شهرهای بزرگ است. سیاست خودرومحوری و خیابان و اتوبان‌سازی، حتی در مناطق مرکزی و تجمیع شهرهای بزرگ، سیاستی است که پیش و پس از انقلاب دولت‌های مختلف همواره آن را در اولویت قرار داده‌اند. امروزه نتیجه‌ی این سیاست، همراه با آلودگی ناوگان موجود جابه‌جایی بار و مسافر، فناوری پایین خودروهای تولیدی آن‌چه مافیای خودروسازی نامیده می‌شود و کیفیت نامناسب سوخت، بیماری‌های تنفسی و مرگ و میر شهروندان است. آخرین آمار رسمی اعلام‌شده‌ی تلفات ناشی از آلودگی هوا مربوط به سال ۱۳۹۴ است که بر پایه‌ی آن در تهران پنج‌هزار نفر و در کل کشور دوازده‌هزار نفر کشته شده‌اند.^۳ به گفته‌ی رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوای دانشگاه علوم پزشکی تهران در ۱۴ دی ۱۳۹۹، «سالانه چهل هزار نفر در ایران به دلیل استنشاق ذرات

۱. ۹۰ درصد کشور ما در منطقه‌ی خشک و نیمه‌خشک واقع است و میانگین بارندگی ما تقریباً یک‌سوم میانگین جهانی و تبخیر سه برابر متوسط جهانی است.»، خداکرم جلالی، معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، ایران اکونومیست، شنبه، ۱۴ تیر ۱۳۹۹.

۲. عیسی کلاتری، خبرگزاری ایستا، دوشنبه، ۲۱ خرداد ۱۳۹۷.

۳. روزنامه‌ی جام جم، دوشنبه، ۹ دی ۱۳۹۸.

معلق کوچک‌تر از ۲/۵ میکرون در هوا جان خود را از دست می‌دهند.» اما محمد درویش، مدیرکل سابق دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست و پژوهشگر و کنشگر خستگی‌ناپذیر و نیک‌خواه محیط زیست، در گفت‌وگو با خبرگزاری شفقنا با مقایسه‌ی شمار رسمی تلفات اعلام‌شده‌ی اروپا و بریتانیا به علت آلودگی هوا، و با در نظر گرفتن تفاوت کیفیت فنی خودروها و سوخت در اروپا و ایران، تلفات سالانه‌ی پنج‌هزار نفر در تهران را شوخی بزرگی دانسته و رقم درست این تلفات را دست‌کم سالی ۹۵ هزار نفر برآورد کرده است.^۱

با این همه، درویش مهم‌ترین جلوه‌ی بحران زیست‌محیطی را نه آلودگی هوا یا بحران آب، که بحران خاک می‌داند. او می‌گوید: «مهم‌ترین بحران محیط زیست ما بحران خاک است... بالاترین نرخ را در جهان داریم. ما سالانه دو میلیارد تُن خاک را داریم از دست می‌دهیم که، با توجه به این که هر تُن خاک ۲۸ دلار ارزش گذاری شده است، یعنی ما سالی ۵۶ میلیارد دلار خاک داریم از دست می‌دهیم.» او ادامه می‌دهد: «سال ۹۵ ما بالاترین تولید کشاورزی را داشتیم. اگر ارزش کل تولید کشاورزی... سال گذشته ۴۷ یا ۴۸ میلیارد دلار باشد، یعنی ما داریم برای این کشاورزی سالی ۵۶ میلیارد دلار خاک از دست می‌دهیم.»^۲

اما از آن‌جا که راهکارها و اقدامات پیشنهادشده برای چیرگی بر این چالش‌ها با سمت‌وسوی کلی حرکت نظم اقتصادی موجود که مدت‌ها ادامه داشته و در دهه‌های اخیر پویش آن شدیدتر شده خوانائی نداشته‌اند، در درازمدت لایه‌لای چرخ‌های برنامه‌ریزی یا بی‌برنامگی کلان‌ناهم‌خوان یا نتایجی ناچیز به بار آورده‌اند یا به کلی خُرد و محو شده‌اند. پیشنهادهای بعضی از کارشناسان نیز با شرایط زیست و معیشت بخش‌هایی از جمعیت هم‌خوان نیستند. بعضی از کارشناسان با توجه به این که بخش کشاورزی بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی را به خود اختصاص می‌دهد یکسره حکم به

۱. «گفت‌وگوی صریح شفقنا با محمد درویش»، خبرگزاری شفقنا، ۲۱ شهریور ۱۳۹۶.

۲. همان.

تعطیل شدن کشاورزی می‌دهند. یا برای حل مشکل آلودگی هوای تهران پیشنهاد می‌دهند صنعت خودروسازی داخلی به کلی تعطیل و بازار خودرو تهران در اختیار شرکت‌های خودروسازی اروپایی گذاشته شود تا با فناوری بهتر خود مشکل آلودگی هوای تهران را حل کنند. این نگاه خودرومحور متمایل به الگوهای غربی روشن نمی‌کند که با بی‌کار کردن صدها هزار نفر از افراد شاغل در بخش تولید و خدمات صنعت خودرو،^۱ که نان‌آور خانواده‌های خود هستند، و ورشکستگی خدمات و کسب‌وکارهای کوچک جانبی چه باید کرد. چرا تکیه بر سرمایه‌گذاری عمده در بخش ترابری عمومی، از جمله استفاده‌ی گسترده‌تر از سیستم‌های ریلی برقی برای سفرهای درون‌شهری و برون‌شهری، به منزله‌ی گزینه‌ی نخست، در نگاه آنان جایی ندارد؟

بی‌تردید داده‌های بالا نشان می‌دهند که کشاورزی ایران با توجه به شرایط اقلیمی و تنش شدید آبی کشور به کج‌راه می‌رود. بی‌تردید صنایع خودروسازی مسئول بخش بزرگی از آلودگی هوای تهران هستند. بی‌تردید فناوری پیشرفته، تولید خودروهای کم‌مصرف‌تر، ایمن‌تر و با سیستم احتراق کامل‌تر می‌تواند برای پاک شدن هوای پایتخت یاری‌رزمی باشد. اما در همین آلودگی هوای تهران، که گفته می‌شود هفتمین شهر آلوده‌ی جهان است، باید توجه داشت کشورهایی که قرار است حلال مشکل آلودگی هوای تهران باشند خود بخش بزرگی از سفرهای درون‌شهری و برون‌شهری را با استفاده از ترابری عمومی از جمله اتوبوس و انواع سیستم‌های ریلی انجام می‌دهند. اما این کشورها خود نیز از مشکل آلودگی هوا مبرا نیستند، گرچه نمی‌توان آلودگی هوای آن‌ها را با آلودگی هوای تهران مقایسه کرد. بنا بر اعلام آژانس محیط زیست اروپا، «اغلب مردم کشورهای اروپایی در معرض هوای آلوده‌اند و میزان متوسط آلودگی در این قاره از سطح عادی بالاتر است.»^۲ همچنین بنا بر برآورد انجمن متخصصان قلب اروپا، تلفات

^۱ برپایه‌ی آمار انجمن خودروسازان ایران، در سال ۱۳۹۵ شمار ۸۸۵ هزار نفر در بخش تولید و خدمات صنعت خودرو اشتغال داشته‌اند. باشگاه خبرنگاران جوان (به نقل از اقتصاد نیوز)، ۹ تیر ۱۳۹۵.

^۲ یورونیوز، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۷.

سالانه‌ی این قاره به علت آلودگی هوا سر به هشتصد هزار نفر می‌زند،^۱ یعنی دو برابر آن چه پیش از آن برآورد می‌شد.

خبرگزاری شفقنا در همان گفت‌وگو از محمد درویش نقل می‌کند که «محیط زیست فقط یک نمای فانتزی دارد که قدرت لازم و حمایت قوی برای خود ندارد.» و می‌گوید: «درویش بر این باور است کسانی که سکان‌دار مسئولیت‌های مختلف هستند چندان فهمی از محیط زیست ندارند...»

اما آیا مشکل تنها در کج فهمی مسئولان از چالش بزرگ محیط زیست است؟ آیا نباید نگاه غیرکارشناسی را تنها حلقه‌ای از زنجیره‌ی سیاست‌های اجتماعی-اقتصادی کلان دید که برای دهه‌ها تداوم یافته است؟ شاید حقیقت بیش‌تر در بخش اول این نقل قول نهفته باشد که می‌گوید: «محیط زیست فقط یک نمای فانتزی دارد که قدرت لازم و حمایت قوی برای خود ندارد.» راست آن که رویکرد اصلاح طلبانه به بحران زیست‌بومی در ایران، به‌ویژه در دورانی که در آن زندگی می‌کنیم، خود یک فانتزی است؛ فانتزی‌ای که هنوز به دنبال «توسعه‌ی پایدار» و «پیشرفت» بر پایه‌ی الگوهای توسعه‌ی اقتصادی ایجادکننده‌ی بحران جهانی زیست‌بومی کنونی است؛ فانتزی‌ای که اگرچه در پیشینه‌ی خود، آن هم در شرایط اجتماعی-اقتصادی متفاوت، در کشورهای گوناگون دستاوردهای محدودی داشته است،^۲ تاکنون در سطح کلان راه به جایی نبرده و در برابر قدرت و تمایل کسب‌وکار به سود و انباشت هر چه بیش‌تر

1. Jus Lelieveld, Klaus Klingmüller, et al., "Cardiovascular disease burden from ambient air pollution in Europe reassessed using novel hazard ratio functions", *European Journal*, Volume 40, Issue 20 (2019), pp. 1590-1596.

۲. در مورد این دیدگاه و دستاوردهای آن در ایران نگاه کنید به قانون ملی کردن جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی در سال ۱۳۴۱ و قوانین ناقض آن پس از انقلاب در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹؛ خاطرات اسکندر فیروز، بنیان‌گذار سازمان حفاظت محیط زیست ایران؛ پیشینه‌ی کوشش‌ها و زندگی مه‌لقا هلاح، «مادر محیط زیست ایران»، بنیان‌گذار نخستین سمن محیط زیستی کشور و کوشش‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی او (هم‌او، پس از بیش از دو دهه کشتگری زیست‌محیطی، در فیلم مستند همه‌ی درختان من به کنشگران جوان زیست‌بوم‌باور می‌گوید این تلاش‌ها نتیجه‌ی چندانی نداشته و سیاست‌های عمومی کشور راه خود را می‌رود) و کوشش‌های جاری سمن‌های محیط زیستی ایران. برای آگاهی از کوشش‌هایی برای پارک‌های ملی در آمریکا در دوره‌ی ریاست‌جمهوری تددور روزولت نگاه کنید به بلائی فاستر، جان، زمین سیاره‌ی آسیب‌پذیر، ترجمه‌ی محسن صفاری، تهران، انتشارات جهان ادیب، ۱۳۹۵، صص ۱۲۰-۱۱۳.

یا به کنار رانده شده یا سر فرود آورده است. به‌راستی در شرایطی که با تراکم فروشی به محیط زیست شهری و فضاهای عمومی زندگی شهروندان تجاوز می‌شود، و با تغییر کاربری و زمین‌خواری محیط زیست طبیعی، جنگل‌ها، مراتع و حتی کوهپایه‌ها، نه تنها در ایران و دیگر کشورهای پیرامون بلکه در کشورهای پیشرفته نیز مورد تاخت و تاز سرمایه قرار می‌گیرند، چگونه می‌توان تنها با اندرزگویی بر این نیروهای بی‌مهار لگام زد؟ در شرایطی که بسیاری از پیش شرط‌های بایسته فراهم نیست، چرا باید انتظار داشت مردم دعوت‌های اخلاقی نیک‌خواهانه‌ی زیست‌بوم‌باوران را برای تغییر الگوهای رفتاری و مصرفی خود بپذیرند؟

نگاهی به پیشینه‌ی کوشش‌های زیست‌بوم‌باوران در کشورهای شمال جهانی و در سراسر جهان و کنفرانس‌های اقلیمی سازمان ملل نیز نتایج بهتری را نشان نمی‌دهد. آخرین کنفرانس اقلیمی سران کشورهای جهان در دسامبر ۲۰۱۸ را سازمان ملل متحد به مدت دو هفته برگزار کرد. این کنفرانس، با شرکت حدود دویست کشور، قرار بود دستور کاری برای بهتر و اجرایی کردن مفاد عهدنامه‌ی سال ۲۰۱۵ پاریس جهت مهار افزایش دمای کره‌ی زمین در محدوده‌ی ۱٫۵ درجه‌ی سانتی‌گراد تهیه و تصویب کند.^۱ اما به مصداق سالی که نکوست از بهارش پیداست، این کنفرانس در شهر کوچک کتوویتزا، پایتخت زغال‌سنگ لهستان، برگزار شد. طنز تلخ آن که لهستان ۷۸ درصد از انرژی موردنیاز خود را از سوخت زغال‌سنگ تهیه می‌کند و نهمین تولیدکننده‌ی بزرگ زغال‌سنگ در جهان است و می‌دانیم که زغال‌سنگ آلوده‌کننده‌ترین سوخت فسیلی است. این کشور، بنا به اعلام بانک جهانی، در میان کشورهای اتحادیه‌ی اروپا کم‌ترین بازدهی اقتصادی را به ازای مصرف سوخت کربنی دارد.

۱. نخست‌وزیر کانادا، جاستین ترودو، که همراه رئیس‌جمهور آمریکا، باراک اوباما، و رئیس‌جمهور فرانسه، فرانسوا اولاند، از ستارگان کنفرانس پاریس بودند، پس از بازگشت به کانادا تعهدات خود در کنفرانس پاریس را به فراموشی سپرد. دولت او شش ماه پس از کنفرانس پاریس پروژه‌ی گسترش خط لوله‌ی نفت ترانس‌مانتن را خریداری کرد، که به علت مقاومت بومیان، دولت استانی بریتیش کلمبیا و گروه‌های زیادی از مردم و زیست‌بوم‌باوران دچار مشکل شده و شرکت بیم‌کار از آن پا پس کشیده بود. بهای پرداخت‌شده برای خرید پروژه ۴٫۵ میلیارد دلار اعلام شده و هزینه‌ی کل پروژه در آن زمان ۴٫۵ میلیارد دلار برآورد شده بود.